

آداب گفتگو در خانواده با تأکید بر آموزه‌های دینی

طاهره ماهروزاده^۱ / مهدیه رجبی^۲

چکیده

خانواده بستر اولین روابط و تعاملات است. در این نهاد کوچک، عمیق‌ترین ارتباطات شکل می‌گیرد که مقدمه روابط بعدی انسان‌ها خواهد بود. در این میان اساسی‌ترین ابزار ارتباطی زبان است. تعالیم اسلام درباره چگونگی و مضمون گفتگو در خانواده از ابتدای گفتگو تا پایان توصیه‌هایی دارد که از آن به «آداب گفتگو» تعبیر می‌شود. در این نوشتار با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از کتب تفسیری و روایی، با نگاهی تربیتی به پایه‌های اساسی در شکل‌گیری یک ارتباط کلامی سالم در بین اعضای خانواده پرداخته شده و این نتیجه به دست آمده است که در آیات الهی و روایات معصومین علیهم‌السلام آداب ارتباط کلامی با تبیین ویژگی‌ها در سه مؤلفه کلام (گوینده، شنونده و محتوا بیان) شده است.

کلیدواژگان: گفتگو، خانواده، آداب گفتگو، مؤلفه‌های کلام، قرآن و حدیث.

۱. استادیار جامعه‌المصطفی‌العالمیه، مجتمع آموزشی بنت‌الهدی (نویسنده مسئول) mahrozade@gmail.com

۲. دانش‌آموخته سطح ۳ رشته تعلیم و تربیت اسلامی جامعه‌الزهرا علیها‌السلام rajabi.rajabi94@gmail.com

مقدمه

خانواده، کوچک‌ترین نهاد اجتماعی و خواستگاه عمیق‌ترین روابط انسانی است. جامعه‌شناسان بر این عقیده‌اند که هر فردی در برقراری ارتباط، قصد، هدف و آرمانی دارد که غیر از خود ارتباط است. این قصد یا آرمان، معنابخش ارتباط می‌باشد؛ بنابراین معنای ارتباط یعنی مدلول ارتباط. به عبارت دیگر هر گاه افکار، دیدگاه‌ها و احساسات فردی که آن‌ها را با دیگران در میان گذاشته است، به طور طبیعی یا قراردادی بر آرمانی دلالت کند، ارتباط شکل گرفته است. (کافی، ۱۳۹۴، ص ۳۱)

نحوه برقراری ارتباط کلامی نیز از عواملی است که در ایجاد تفاهم میان اعضای خانواده نقشی تعیین‌کننده دارد. خانواده‌ای که اعضای آن می‌دانند از چگونه عبارات و کلمات برای بیان مقصود استفاده کنند، به خوبی مسیر حرکت خویش را در زندگی هموار می‌کنند. (شرفی، ۱۳۸۹، ص ۶۵) از آنجا که اساسی‌ترین ابزار ارتباطی، زبان است؛ با کلام و ایجاد فرهنگ گفتگو در خانواده می‌توان روند رویدادها را تغییر داد، میان اعضای خانواده انس و الفت برقرار و زمینه رشد در جنبه‌های گوناگون شخصیت آدمی را فراهم کرد. بسیاری از مشکلات درون خانواده‌ها به وسیله گفتگوی فعال و ارتباط کلامی مؤثر مرتفع خواهد شد. تعالیم اسلام درباره چگونگی گفتگو و مضمون آن در خانواده، توصیه‌هایی دارد که از ابتدای گفتگو تا پایان را در بر می‌گیرد که از آن به «آداب گفتگو در خانواده» تعبیر می‌شود. (سالاری‌فر، ۱۳۸۵، ص ۱۲۳)

آداب گفتگو در خانواده به معنای روش‌ها و رسوم نیکو برای با یکدیگر سخن گفتن در کوچک‌ترین نهاد اجتماعی، یعنی خانواده است. ارائه مدل ارتباط کلامی در خانواده به شیوه‌ای منسجم، در انگیزه‌بخشی اعضای خانواده نسبت به رعایت آداب گفتگو در این نهاد مقدس بسیار مؤثر خواهد بود. در این زمینه اگر چه کتب اخلاقی تربیتی ارزشمندی نگاشته شده است، اما هیچ یک از این آثار، آداب گفتگو نسبت به سه مؤلفه کلام را به صورت جداگانه مورد بررسی قرار نداده‌اند. بنابراین پژوهش حاضر که در نوع خود بدیع می‌باشد، آداب ارتباط کلامی جدیدی از قرآن و روایات را استخراج کرده است و به خوانندگان ارائه

می‌کند. از این رو پایه‌های اساسی در شکل‌گیری يك ارتباط کلامی سالم در میان اعضای خانواده در سه مؤلفه کلام (گوینده، شنونده و محتوا) به‌طور جداگانه بررسی شده است. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی است. از این رو با جستجوی واژگان کلیدی مقاله در آیات و روایات، ابتدا دیدگاه آیات و روایات درباره موضوع مقاله کشف شده و سپس با در نظر گرفتن دو طرف ارتباط کلامی (گوینده و شنونده)، آیات و روایات مربوط به هر یک استخراج و تفکیک شده است. از آنجا که برخی آیات و روایات مرتبط، تنها ویژگی‌های محتوای کلام را بیان داشته و به گوینده و شنونده اختصاص نداشته‌اند؛ دسته دیگری از روایات و آیات با عنوان آداب ارتباط کلامی نسبت به محتوای کلام مشخص شده است. در تحلیل روایات و آیات نیز از کتب تفسیری، اخلاقی و تربیتی بهره‌گیری شده است.

۱. آداب گفتگو در خانواده نسبت به گوینده کلام

گوینده کلام، آغازگر و تا حدودی هدایت‌کننده فرایند گفتگوست. در آموزه‌های دینی، آدابی برای سلامت و بهبود فرایند ارتباط کلامی نسبت به گوینده کلام ذکر شده است که در ذیل به آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱-۱. شروع گفتگو با سلام

یکی از ویژگی‌های فرهنگ متعالی اسلام، سلام کردن مسلمانان به یکدیگر است. سلام با صدایی رسا و واضح و با آهنگی جذاب، موجب تقویت بنیان خانواده و فراگیر شدن فضای عاطفی میان اعضای آن می‌شود. از نظر برخی دانشمندان غربی، اولین کلمات در برقراری ارتباط میان افراد اهمیت ویژه‌ای دارند که از این کلمات به «گزاره‌های بیان‌گشایانه» تعبیر شده است. به عقیده آنان اظهارات بیان‌گشایانه، مشخص‌کننده راه مناسب برقراری تعاملات و نشان‌دهنده درک متقابل و جایگاه اجتماعی گوینده و شنونده است. (طباطبایی لطفی و قاسمی، ۱۳۹۱، ص ۲۳۴ و ۲۳۵) نوع و ظاهر اظهارات بیان‌گشایانه، متناسب با دیدگاه‌ها و عقاید

حاکم بر جامعه می‌تواند انعکاسی از اولویت‌های زیستی یا عقیدتی رایج در آن جامعه باشد. بنابراین این گزاره‌ها در یک جامعه ممکن است شامل صحبت از آب و هوا، در جامعه‌ای دیگر امکان گرفتاری به ارواح خبیث و در جامعه اسلامی، ذکر آیات قرآن یا حمد و سپاس پروردگار باشد. (همان، ص ۳۳۵)

در حدیث شریف کساء که بیان‌کننده ماجرای گفتگوی اعضای یک خانواده آسمانی است، بسیاری از آداب ارتباط کلامی در جمله «شروع گفتگو با سلام» نهفته است. آغاز گفتگوی این پدر و دختر نمونه، با سلام است؛ چنانکه حضرت زهرا علیها السلام می‌فرماید: «دخل أبي رسول الله في بعض الأيام فقال السلام عليك يا فاطمة، فقلت و عليك السلام». (بحرانی اصفهانی، بی‌تا، ج ۱۱، ص ۹۳۱؛ حسینی مرعشی تستری، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۵۵۵) خداوند متعال نیز در آیه ۶۱ سوره نور می‌فرماید: «هنگامی که داخل خانه‌ای شدید، بر خویشان سلام کنید؛ سلام و تحیتی از سوی خداوند، سلامی پر برکت و پاکیزه». علامه طبرسی در تفسیر مجمع‌البیان، درباره این آیه گفته است: «یعنی بر خانواده و عیال سلام کنید». (طبرسی، ۱۴۰۶، ج ۱۷، ص ۱۷۵) امام صادق علیه السلام نیز فرموده است: «هر گاه به خانه‌ات وارد شدی، بگو بسم الله و بالله و بر خانواده‌ات سلام کن و اگر کسی در خانه نبود، بگو به نام خداوند و درود بر پیامبر او و خاندانش و سلام بر ما و بندگان صالح خداوند. اگر این را گفتی، شیطان از خانه‌ات می‌گریزد». (نوری، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۴۵۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۳، ص ۱۱)

۲-۱. تکریم و تحسین

انسان بنا بر غریزه حب ذات، نیازمند تحسین و اکرام دیگران است. تکریم و تحسین، یکی از بایسته‌های رفتاری در روابط میان فردی است و از آنجا که خانواده مهم‌ترین خاستگاه ارتباطات کلامی و غیر کلامی می‌باشد، اهتمام و توجه به این امر ضرورت می‌یابد. تکریم

همسر و فرزندان^۲ در آموزه‌های دینی همواره مورد تأکید بوده است؛ چنانکه برترین مردان را کسانی دانسته‌اند که همسر خویش را گرامی بدارند.^۳ در ارتباطات کلامی نیز به گفتار کریمانه بسیار سفارش شده است؛ چنانکه رسول خدا ﷺ فرموده است: «هر کس برادر با ایمانش را با گفتن کلامی ملاطفت‌آمیز و غم‌زدا مورد تکریم قرار دهد، تا وقتی او شادمان است؛ گوینده آن سخن همواره در سایه رحمت الهی به سر می‌برد».^۴ (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۳۷۶) بنابراین اعضای خانواده باید تلاش کنند در گفتگو با یکدیگر منشی کریمانه داشته باشند، نقاط مثبت دیگر اعضا را ببینند و آن‌ها مورد ستایش قرار دهند. در چنین شرایطی است که می‌توانند در دل یکدیگر نفوذ کنند و روابط‌شان را محکم نمایند. (قائمی، ۱۳۶۸، ص ۲۳۷)

۳-۱. رعایت اعتدال در مزاح

اعتدال، در هر امری پسندیده است. از این رو در مزاح و شوخی کردن نیز باید این نکته را رعایت نمود تا روابط، صمیمی و سرشار از آرامش باشد. شوخی و مزاح در خانواده باید در محدوده شریعت تنظیم شود. امام صادق علیه السلام در این باره فرموده است: «خداوند مزاح‌کننده در میان جمع را دوست می‌دارد، اگر به گناه کشیده نشود».^۵ (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۴۷۴) از جمله مصادیق شوخی حرام، مزاح زن و مرد نامحرم با یکدیگر است. خداوند در آیه ۳۲ سوره احزاب، زنان را از خضوع در گفتار نهی کرده است تا موجب طمع‌ورزی بیماردلان نشود.^۶

۱. «... فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ تَجِبَتْهُنَّ مِنَ اللَّهِ مُبَارَكَةٌ طَيِّبَةٌ...». امام صادق علیه السلام از پدرشان نقل کرده است: «مَنْ اتَّخَذَ امْرَأَةً فَلْيُكْرِمْهَا؛ هر کس زنی بگیرد، باید او را اکرام کند» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۰، ص ۲۲۴).
۲. «أَكْرَمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا أَدَابَهُمْ يُغْفَرْ لَكُمْ؛ فرزندان‌تان را اکرام کنید و نیکو ادبشان کنید تا آمرزیده شوید» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۱، ص ۴۷۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۱، ص ۹۵).
۳. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «الْأَخْبِرْكُمْ بِخَيْرِكُمْ مَنْ لَانَ مِنْكِبُهُ وَحَسَنَ خَلْقُهُ وَكَرَّمَ زَوْجَتَهُ إِذَا قَدَّرَ؛ آیا شما را به بهترین‌تان خبر دهم، کسی که فروتن و خوش اخلاق باشد و هر گاه ازدواج کرد، همسرش را گرامی بدارد» (دیلمی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۱۳۳، ح ۴۶۷۳).
۴. «مَنْ أَكْرَمَ أُمَّةَ الْمُؤْمِنِينَ بِكَلِمَةٍ يُلَطِّفُ بِهَا وَفَرَّجَ عَنْهُ كَرْبَتَهُ لَمْ يَزَلْ فِي ظِلِّ اللَّهِ الْمَمْدُودِ عَلَيْهِ مِنَ الرَّحْمَةِ مَا كَانَ فِي ذَلِكَ».
۵. «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَىٰ يُحِبُّ الْمُدَاعِبَ فِي الْجَمَاعَةِ بِلَا رَفْتٍ».
۶. «... فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا؛ پس به‌گونه‌ای هوس‌انگیز سخن نگویند که بیماردلان در شما طمع کنند و سخن شایسته بگویند».

طبیعی است که وقتی خضوع در کلام مفسده‌انگیز است، به طریق اولی شوخی با نامحرم چه از طرف زن و چه مرد مفسد متعددی را به دنبال دارد؛ چنانکه در روایات معصومین علیهم‌السلام نیز عذاب اخروی هر کلمه شوخی با نامحرم برابر با هزار سال حبس دانسته شده است. (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۱۹۸ و ۱۹۷)

اگر چه شوخی با نامحرم از مصادیق ارتباط کلامی در خانواده نیست، اما از آنجا که تأثیرات بسیاری در ارتباط اعضای خانواده با یکدیگر و تربیت اعضای خانواده دارد؛ در این بخش به آن اشاره شد.

۱-۴. رعایت حدود در بیان مسائل جنسی

کانون خانواده، مهد فراگیری ادب و احترام است. ارتباط کلامی میان اعضای خانواده باید پیام متانت و ادب را به شنونده کلام منتقل کند. والدین آگاه و دلسوز وظیفه دارند در حوزه مسائل جنسی نکاتی را متناسب با سن و جنس فرزند به او بیاموزند و وی را برای به دوش کشیدن بار مسئولیت زندگی و خانواده آماده کنند. (مصلحی، ۱۳۹۴، ص ۶۱) بر این اساس والدین باید حین گفتگو پیرامون این‌گونه مسائل، ضمن حفظ فضای صمیمی میان خود و فرزندان هنجارهای لازم در این زمینه را نیز رعایت کنند.

زبان قرآن در بیان مسائل جنسی، الگوی ارتباط کلامی مناسب در حوزه خانواده است. با دقت در ادبیات گفتاری قرآن کریم در این زمینه، می‌توان حدود و چارچوب‌های لازم در این خصوص را استخراج نمود. برای بیان رابطه جنسی، تعابیر کنایی متنوعی در قرآن آمده است که حاکی از رعایت حدود و عفت کلام در ادبیات کلام الهی است؛ زیرا استفاده مکرر از یک تعبیر کنایی، موجب خارج شدن آن از حالت کنایی و از دست رفتن ویژگی پوشانندگی و در لفافه بودن آن می‌شود. از همین روست که قرآن گاه تعبیر به مباشرت کرده و گاه از

۱. «فَالآنَ تَابِرُوهُنَّ» (بقره: ۱۷۸).

واژه‌های رَفَتْ، اَطْمَتْ، اُمْلَمَسَه^۲ و مَسَّ^۴ استفاده کرده است که کنایه از آمیزش جنسی است. در آیه دیگری عبارت «وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ» (نساء: ۲۳) کنایه از نکاح است. عبارت «فَاعْتَرَلُوا النِّسَاءَ» (بقره: ۲۲۲) نیز کنایه از نهی از آمیزش جنسی است. بنابراین رعایت این بایسته گفتاری در خانواده، زمینه ساز حیات طیب و زندگی پاکیزه در خانواده می باشد.

۱-۵. اعتدال در میزان گفتگو

اصل اساسی در سخن گفتن با دیگران چه در محیط خانواده و چه در اجتماع، پرهیز از پرگویی و پرحرفی است. علمای اخلاق کم‌گویی را یکی از فضایل اخلاقی و یکی از مؤلفه‌های رشد اخلاقی فرد دانسته‌اند. از نظر اسلام کم‌گویی، نشانه خرد و پختگی فرد است. (سالاری فر، ۱۳۸۵، ص ۷۵) رسول اکرم ﷺ در این باره فرموده است: «خداوند سه کار را دوست دارد: کم‌گویی و کم‌خوابی و کم‌خوری».^۵ (ورام بن ابی‌فراس، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۴۷۴)

اگر چه کم‌گویی در آموزه‌های دینی مورد تمجید قرار گرفته است، اما باید توجه داشت که کم‌گویی بیش از اندازه نیز در کانون خانواده آسیب‌زاست. فقدان گفتگو میان زوجین، یعنی بی‌خبری از مسائل زندگی مشترک و شخصیت یکدیگر است که خواه ناخواه موجب نارضایتی زوجین از زندگی و کاهش محبت میان آن‌ها می‌شود. زوجینی که با یکدیگر صمیمی نیستند و یا از یکدیگر جدا می‌شوند، کسانی هستند که کمتر با یکدیگر صحبت می‌کنند. (زاهدپور، ۱۳۹۶، ص ۱۵۵ و ۱۵۶) از همین روست که در متون دینی آموزه‌هایی برای نحوه سخن گفتن در خانواده و آثار گفتار نیکو بر اعضای آن آمده است؛ چنانکه در حدیثی آمده است:

۱. «أَجَلٌ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفْتُ إِلَى نِسَائِكُمْ» (همان).

۲. «لَمْ يَطْمِئَهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ» (الرحمن: ۵۶).

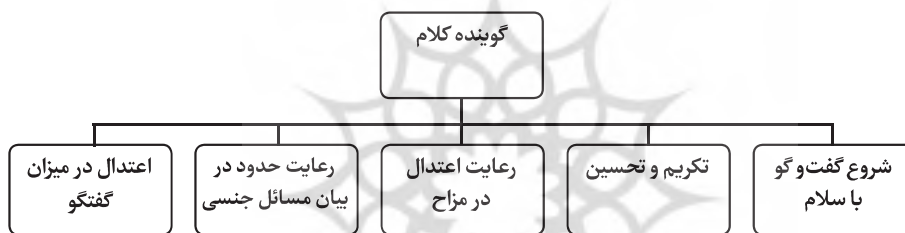
۳. «أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ» (نساء: ۳؛ مائده: ۶).

۴. «وَلَمْ يَمَسَّ سِنِي بَشَرٍ» (آل عمران: ۴۷، مریم: ۲۰).

۵. «ثَلَاثَةٌ يُحِبُّهَا اللَّهُ فَلَهُ الْكَلَامُ وَفَلَهُ الْمَنَامُ وَفَلَهُ الطَّعَامُ».

«نیکو سخن گفتن با زنان [در خانواده] باعث صدور رفتار نیک از آنان می‌شود».^۱ همچنین به مردان توصیه شده است که نسبت به همسران خود ابراز محبت کلامی داشته باشند؛ زیرا این‌گونه ابراز محبت نمودن در عمق جان زن نفوذ می‌کند و هرگز از قلبش خارج نمی‌شود.^۲ بنابراین آنچه در آداب گفتگو میان اعضای خانواده باید مورد توجه قرار گیرد، رعایت تعادل در میزان گفتگوست؛ در غیر این صورت آداب ارتباط کلامی از جانب گوینده کلام رعایت نشده است.

شکل ۱: آداب گفتگو در خانواده نسبت به گوینده کلام



۲. آداب گفتگو در خانواده نسبت به شنونده کلام

شنونده، یکی دیگر از ارکان ارتباط است که در فرایند ارتباط کلامی سالم میان اعضای خانواده، نیازمند رعایت اصول پایه‌ای می‌باشد.

۱-۲. جواب سلام به مثل آن یا نیکوتر از آن

در شریعت اسلام، جواب سلام اهمیت ویژه‌ای دارد تا آنجا که از واجبات دانسته شده و این وجوب حتی در هنگام نماز نیز برداشته نشده است؛ بلکه رد سلام به بهتر از آن از

۱. «وَأَحْسِنُوا لَهُنَّ الْمَقَالَ لَعَلَّهُنَّ يُحْسِنَنَّ الْفِعَالَ» (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۵۵۴).

۲. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: قَوْلُ الرَّجُلِ لِلْمَرْأَةِ إِنِّي أَحِبُّكَ، لَا يَذْهَبُ مِنْ قَلْبِهَا أَبَدًا» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۶۹).

امور مستحب به شمار آمده است. (موسوی خمینی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۸۷، مسئله ۲) خداوند در قرآن فرموده است: «هر گاه به شما تحیت گویند، پاسخ آن را بهتر از آن بدهید؛ یا (لا اقل) به همان‌گونه پاسخ گویند. خداوند حساب همه چیز را دارد»^۱. (نساء: ۸۶) در روایات ائمه معصومین علیهم‌السلام نیز آمده است: «منظور از تحیت در آیه، سلام و هر گونه نیکی کردن است». (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۵۲۴) اگر چه معانی دیگری نیز برای این آیه آمده است که فعلاً مورد بحث ما نیست، اما همان‌گونه که مفسران گفته‌اند یکی از مصادیق روشن تحیت، سلام کردن است و این مسئله، بیان‌کننده اهمیت این وظیفه اسلامی و انسانی است (مهدوی کنی، ۱۳۷۱، ص ۴۸۱) و اصل اولیه گفتگو در خانواده به شمار می‌آید.

در حدیث شریف کسا نیز هنگامی که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بر حضرت زهرا علیها‌السلام وارد شدند و سلام کردند، حضرت در جواب همانند ایشان سلام کردند: «وَقَلْتُ وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ». شاید بتوان این رفتار ایشان را یکی از مصادیق این کلام امیرالمؤمنین علیه‌السلام دانست که فرموده است: «تَسْقُطُ الْأَدَابُ بَيْنَ الْأَحْبَابِ». (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۱۸۳) بنابراین اولین ادب شنونده کلام، دادن جواب سلام به شیوه‌ای نیکوتر یا همانند آن است.

۲-۲. گوش سپاری

در فرایند ارتباط کلامی میان زوجین باید از انجام هر عملی که مغایر با حالت توجه باشد، خودداری کرد. این کیفیت در تکنیک‌های مشاوره به «هنر خوب شنیدن» موسوم است؛ حالتی که بیانگر پذیرش طرف مقابل و مطالب وی است. (شرفی، ۱۳۸۹، ص ۶۴) ابراهیم بن عباس درباره روابط اجتماعی امام رضا علیه‌السلام می‌گوید: «آن حضرت را هرگز ندیدم که سخن کسی را قطع کند، مگر آنکه آن شخص از سخن خویش فارغ شود». (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۸۴) در حدیث دیگری رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم سخن گفتن میان برادر مسلمان را به خراشیدن صورت وی تشبیه نموده است. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۶۰) این تشبیه زیبای رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

۱. «ثَلَاثَةٌ يُجِبُّهَا اللَّهُ فَلَئَةُ الْكَلَامِ وَ فَلَئَةُ الْمَنَامِ وَ فَلَئَةُ الطَّعَامِ».

گویای اهمیت گوش‌سپاری و توجه مخاطب کلام نسبت به گوینده آن است. از همین روست که امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است: «گوش خود را به خوب شنیدن عادت بده»^۱. در جریان گفتگو شخص گوینده تلاش می‌کند تا میان خود و شنونده ارتباطی برقرار کند و در برقراری این ارتباط هدفی دارد. از این رو اگر گوش‌سپاری از ناحیه مخاطب کلام صورت نگیرد، مقصود گوینده کلام از این ارتباط محقق نمی‌شود. در کانون خانواده نیز مهم‌ترین هدف در برقراری ارتباط کلامی میان اعضا، زمینه‌سازی برای ایجاد ارتباط عاطفی یا تحکیم روابط عاطفی پیشین است. صحبت کردن میان کلام متکلم، این پیام را به وی منتقل می‌کند که کلامش شنیده نمی‌شود و تلاشش برای برقراری ارتباط بی‌ثمر است. این در حالی است که خوب شنیدن، دروازه ارتباط مؤثر میان متکلم و مخاطب را می‌گشاید و راه را برای حل مشکلات درون خانواده هموار می‌کند. بنابراین همان‌گونه که گوش‌سپاری یکی از شرایط ایجاد ارتباط کلامی و عاطفی در خانواده است، بی‌توجهی به کلام متکلم نیز فرایند تأثیرگذاری ارتباط کلامی را خدشه‌دار می‌کند و مانعی در برابر ارتباطات عاطفی اعضای خانواده می‌شود.

۲-۳. تغافل و سکوت

در جریان ارتباط کلامی، گاهی مخاطب با برخوردی ناشایست از ناحیه متکلم و ناملامی‌های کلامی از طعنه و تمسخر گرفته تا نفرین و ناسزا مواجه می‌شود. گاهی نیز شاهد رفتار تأمل‌برانگیزی است که شخص در صدد توجیه کار خویش است. به‌کارگیری شیوه تغافل در این دو مقام، بسیار شایسته و تأثیرگذار است. در واقع هنگامی که راه‌های توجیه مخاطب بسته می‌شود و او یقین می‌کند که فرد خطا کرده است، زمان تغافل فرا می‌رسد. (باقری، ۱۳۷۶، ص ۱۳۷)

تغافل در آموزه‌های دینی به عنوان روش مهمی در روابط میان فردی مطرح است؛ به‌گونه‌ای که زندگی اجتماعی و روابط متقابل به پیمان‌های تشبیه شده است که یک سوم

۱. «عَوْدُ أَذْنِكَ حُسْنُ الْاِسْتِمَاعِ» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۳۴۱).

آن، تغافل است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۲۴۱) توصیه امیرالمؤمنین علیه السلام در برابر بی‌عفتی‌های کلامی، دلیل دیگری بر ضرورت چشم‌پوشی و گذشت در ارتباطات کلامی اعضای خانواده است: «هرگاه سخن زشت آزاردهنده‌ای شنیدی، سرت را پایین انداز و [آن را نادیده بگیر] تا از تورد شود».^۱ (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۱۳۸)

اصل اصالة الصحة در فقه اسلامی بسیار مورد توجه قرار گرفته است. این اصل در حوزه روابط میان فردی، به معنای آن است که عمل فرد مسلمان، درست و رواست (انصاری، ۱۴۳۵، ج ۳، ص ۳۴۷) و اگر در آن احتمال نادرستی و ناروایی باشد، نباید به این‌گونه احتمال اعتنا نمود؛ چه رسد به اینکه درباره آن قضاوت شود. (باقری، ۱۳۷۶، ص ۱۳۶) بنابراین توصیه پیشوایان دین در رفتارها و گفتارهای تأمل‌برانگیز، توجیه رفتار و گفتاری است که ظاهر نامناسبی دارد.^۲ (صدوق، ۱۳۷۶، ص ۳۰۴) حتی در مواردی که فرد می‌داند شخص به نادرست بودن رفتار خویش آگاه است، استفاده از روش تغافل توصیه شده است؛ زیرا به‌کارگیری شیوه تغافل، مانع از آن است که احساس عزت فرد زایل شود و آنچه موجب پرهیز فرد از خطا می‌شود، عزت نفس است.^۳ (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۴۳۹)

باید توجه داشت که تغافل به معنای بی‌توجهی به اشتباهات و خطاهای کلامی و غیر کلامی دیگران نیست؛ بلکه شیوه‌ای کاربردی و مؤثر برای اصلاح ارتباط کلامی میان اعضای خانواده با هدف حذف ناهنجاری‌های کلامی در ادبیات گفتاری اعضای خانواده است. این امر با آموزش مفاهیم ارزشی در خانواده نیز منافاتی ندارد. در واقع تغافل، فرع بر آموزش ارزش‌هاست. جایگاه این شیوه در خانواده، در مواردی است که مسئله مورد چشم‌پوشی قرار گرفته، یا اهمیت چندانی ندارد و یا مسئله حائز اهمیتی است و فرد خطاکار نیز به اهمیت آن واقف می‌باشد؛ از این رو تلاش می‌کند خطای خود را بپوشاند یا آن را توجیه کند. از این

۱. «ثَلَاثَةٌ يُجِبُّهَا اللَّهُ فَلَئَهُ الْكَلَامُ وَ قَلَّةُ الْمَنَامِ وَ قَلَّةُ الطَّعَامِ».

۲. الامام علی علیه السلام: «صَغُ أَمْرٌ أَحَبُّكَ عَلَى أَحْسَنِهِ حَتَّى يَأْتِيكَ مِنْهُ مَا يَغْلِبُكَ وَ لَا تَقْطِنَنَّ بِكَلِمَةٍ خَرَجْتَ مِنْ أَحَبِّكَ شَوْءًا وَ أَنْتَ تَجِدُ لَهَا فِي الْخَيْرِ مَحْمِلًا».

۳. «مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ لَمْ يُهِنِّهَا بِالْمَعْصِيَةِ».

رو مخاطب موظف است در چنین موقعیتی به مستور ماندن آن اشتباه و خطا کمک کند تا ضمن حفظ عزت نفس شخص، زشتی آن عمل از بین نرود.

۲-۴. همدلی و همدردی

در فرایند ارتباط کلامی در خانواده یکی از بایسته‌های رفتاری مخاطب کلام، همدلی و همدردی است. در کانون خانواده گاه ممکن است یکی از اعضا گرفتار مشکلی شود و نیازمند طرح آن مسئله با دیگران باشد. مهم‌ترین و اولین واکنش مخاطب در برابر وی باید به‌گونه‌ای باشد که احساس همدلی و همدردی را به وی منتقل کند. همدلی، یکی از مؤلفه‌های هوش هیجانی و معنای آن، آگاهی و فهم شناختی هیجان‌ها و احساسات شخص دیگر است. (گیتونی، ۱۳۸۹، ص ۲۰۳)

هوش هیجانی که همدلی را نیز در بر می‌گیرد، موجب بهبود گفتگو، کاهش برخوردها و برقراری ارتباط دوستانه میان اعضای خانواده می‌شود. (همان، ص ۱۱۷) در آموزه‌های دینی، به همدلی و همدردی در روابط زوجین تأکید شده است. پاداش زنی که با شوهر خویش چنین رفتاری دارد، نصف پاداش شهید دانسته شده است. (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۳۲؛ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۳۸۵) زندگانی نورانی حضرت زهرا علیها السلام و امیرمؤمنان علیه السلام، سرشار از همدلی و همراهی در سختی‌ها و مشکلات است؛ چنانکه نقل است سرور بانوان عالم خطاب به همسر بزرگوارشان فرموده است: «ای ابا الحسن! من از پروردگار خود حیا می‌کنم که چیزی را که تو بر آن توان و قدرت نداری، درخواست نمایم»^۱. (دشتی، ۱۳۷۴، ج ۱)

یکی از وظایف والدین در رابطه با فرزندان، پرورش روحیه همدلی در آنان است. خانواده‌ها می‌توانند با پرورش همدلی در کودکان خویش، به پیشگیری از انواع خشونت از جمله ناهنجاری‌های کلامی کمک کنند. کودکانی که درباره نحوه تأثیر گفتار و رفتار خود در دیگران تأمل می‌کنند، برداشت جدیدی از روابط دلسوزانه می‌یابند و هر چه روابط دلسوزانه کودک

۱. «يَا أَبَا الْحَسَنِ إِنِّي لَأَسْتَخِي بِمَنْ إِلَهِي أَنْ أَكَلَّفَ نَفْسَكَ مَا لَا تَقْدِرُ عَلَيْهِ».

گسترش یابد، همدلی او در ابعاد مختلف رفتاری و گفتاری نیز توسعه می‌یابد. (سالاری‌فر، ۱۳۸۹، ص ۲۰۵) در خانواده‌هایی که فرایند گفتگو میان اعضای آن آکنده از حس همدلی و درک متقابل است، شاهد پرورش هوش هیجانی در جنبه‌های مختلف، احساس آرامش و رابطه صمیمانه‌تری در میان اعضای آن هستیم.

۲-۵. استغفار و دعا در برابر ناهنجاری‌های کلامی

یکی دیگر از آداب گفتگو نسبت به شنونده کلام، استغفار و دعا در برابر بی‌ادبی کلامی گوینده است. در ارتباط کلامی اعضای خانواده، گاه زوجین نسبت به یکدیگر یا والدین نسبت به فرزند و یا بالعکس، با کلامی همراه با خشونت یا تنفر و یا ... مواجه می‌شوند. آموزه‌های اسلامی در چنین مواردی ضمن توصیه به خویشتن‌داری، به طلب استغفار برای فرد گوینده تأکید کرده‌اند؛ چنانکه امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه «وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا» (اسراء: ۲۳) فرموده است: «اگر تو را کتک زدند، به آن دو بگو: خدا شما را پیام‌رزد»^۱. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۵۸) بنا بر این روایت هنگامی که فرزند مورد خشونت فیزیکی والدین قرار می‌گیرد، وظیفه‌اش استغفار برای آنان است؛ به طریق اولی هنگامی که مورد خشونت کلامی آنان نیز قرار می‌گیرد، در جواب آنان نباید کلامی جز استغفار و دعا بر زبان بیاورد. امام سید الساجدین علیه السلام در دعای ۲۴ صحیفه سجادیه فرموده است: «خدایا! هر چه بر من تعدی کردند به گفتار تند و کردار ناپسند یا حقی از من ضایع کردند یا در وظیفه خود کوتاهی نمودند، من از آن‌ها در گذشتم و بخشیدم و از تو می‌خواهم که عتابت را از آن‌ها برداری. چون من رفتار آنان را درباره خویش نیک شمرده‌ام، احسان آن‌ها را کامل شناخته و در کار من هر چه کردند، ناخوش ندارم ای پروردگار من».

گاهی فرزندان مرتکب خطایی می‌شوند، در چنین شرایطی والدین باید در عین حال که نسبت به رفتار و گفتار آنان عفو و گذشت می‌کنند؛ در حق آنان نیز استغفار و دعا کنند تا

۱. «إِنْ ضَرَبَكَ فَقُلْ لَهُمَا عَفَرَ اللَّهُ لَكُمْ فَذَلِكَ مِنْكَ قَوْلٌ كَرِيمٌ».

مشمول رحمت الهی واقع شوند؛ چنانکه حضرت یعقوب علیه السلام در برابر خطای صورت گرفته از سوی فرزندان به آنان فرمود: «سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي». (یوسف: ۹۸) از جمله دعاهای مستجاب در حق انسان‌ها، دعای پدر و مادر برای فرزندان است. از این رو شایسته است والدین به جای برخورد های شتاب زده در برابر ناملایمی های فرزندان، برای آنان دعا و استغفار کنند.

شکل ۲: آداب گفتگو در خانواده نسبت به شنونده کلام



۳. آداب گفتگو در خانواده نسبت به محتوای کلام

در آموزه های دینی ویژگی هایی برای محتوای کلام نیز مطرح شده است؛ زیرا اگر تمام آداب در خصوص شنونده و گوینده کلام مراعات شود، اما محتوای کلام مناسب و منطبق بر آداب گفتگو نباشد؛ فرایند ارتباط کلامی مخدوش می شود و تبعات جبران ناپذیری را در پی خواهد داشت. در ذیل آداب گفتگو در خانواده نسبت به محتوای کلام ارائه می گردد.

۳-۱. تشکر و قدردانی

اولین بایسته کلامی مورد توجه در محتوای کلام، ستایش پروردگار و قدردانی از افرادی است که به انسان خدمت می کنند. یکی از درخواست های امام سجاد علیه السلام در دعای ۲۰ صحیفه سجاده از خداوند، توفیق بر سپاسگزاری در برابر نیکی است: «خدایا به جای سخنان بیهوده و آبروریزی مردم... و دشنام حاضر و مانند آن، سخن من سپاس تو باشد

و ستایش تو بسیار کنم و بزرگی تو از هر جهت بگویم و شکر نعمت‌های تو گزارم». سپاس و قدردانی، موجب تشویق کریم و بخشنده برای کمک و خیرخواهی بیشتر است. سپاس و قدردانی، موجب افزایش نعمت خداوند نیز می‌شود. (ابراهیم: ۷)

در کانون خانواده نیز این نکته بسیار با اهمیت است. از این روست که بنا بر آموزه‌های دینی یکی از نشانه‌های خوشبختی انسان، خدمتگزاری و نیکی کردن به افراد سپاسگزار است.^۱ (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۲، ص ۳۵۰) در این زمینه مردان بیشتر از زنان نیازمند قدردانی همسر خویش هستند. در واقع آن‌گونه که زن به محبت همسر نیاز دارد، مردان به قدرشناسی از ناحیه زن نیازمندند و در صورت عدم ارضای خواست روحی و یا واکنش متعارض با آن از سوی زن، علاقه مرد به زن آسیب می‌بیند و بنیان خانواده را سست می‌کند. از همین روست که روایات اسلامی به شدت زنان را از ناسپاسی نسبت به لطف و محبت شوهران نهی کرده‌اند؛ (محمدی ری شهری، ۱۳۹۳، ص ۴۷۰) چنانکه پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است: «خداوند به زنی که از شوهرش سپاسگزاری نمی‌کند، با آنکه از او بی‌نیاز نیست، نگاه نمی‌کند».^۲ (متقی هندی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۳۹۶) فرزندان نیز باید همواره شکرگزار زحمات والدین خویش باشند. اهمیت این مسئله تا آنجاست که قرآن کریم در کنار دستور به شکرگزاری نسبت به پروردگار، به سپاسگزاری از پدر و مادر سفارش کرده است. (لقمان: ۱۴)

۳-۲. آراستن کلام به القاب نیکو و اسامی زیبا

اسلام همواره بر انتخاب نام نیک و القاب نیکو برای افراد تأکید کرده و انتخاب نام نیک را در کنار تعلیم قرآن و ادب‌آموزی، از حقوق فرزند بر والدین برشمرده است؛^۳ زیرا نام‌های بد و القاب ناپسند، موجب بروز آسیب‌های بسیاری برای فرد و جامعه دارد. اولین و مهم‌ترین

۱. الامام علی عَلَيْهِ السَّلَام: «مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ أَنْ تَكُونَ صَنَائِعُهُ عِنْدَ مَنْ يُشْكِرُهُ وَ مَعْرُوفُهُ عِنْدَ مَنْ لَا يَكْفُرُهُ».

۲. «لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَى امْرَأَةٍ لَا تَشْكُرُ لِرَوْحِهَا وَ هِيَ لَا تَسْتَعْنِي عَنْهُ».

۳. «حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ وَ يُحَسِّنَ أَدَبَهُ وَ يُعَلِّمَهُ الْقُرْآنَ» (صبحی صالح، ۱۴۱۴، ص ۵۴۶).

اثر نام بد بر روی فرد، قرار گرفتن فرد در معرض تمسخر دیگران و آزار و اذیت روحی و روانی ناشی از آن است. (قائمی مقدم، ۱۳۸۸، ص ۲۶)

اثر دیگر نام‌گذاری، سوق دادن فرد به همانندسازی با معنا و مفهوم آن نام و شخصیت‌هایی که به این نام معروف بوده‌اند، است. از این روست که خداوند در قرآن کریم مردم را به شدت از این عمل نهی فرموده است: «وَلَا تَتَّابِرُوا بِالْأَلْقَابِ». (حجرات: ۱۱) پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز فرموده است: «قبل از اینکه دیگران به فرزند شما القاب زشت بدهند، به آنان کنیه بدهید».^۱ (متقی هندی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۴۱۹) در سیره معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام نیز آمده است که همواره کودکان را با احترام و نام نیک صدا می‌کردند و هنگام صحبت با فرزندان خویش، از لفظ «بُتَيْ» استفاده می‌نمودند؛ همان تعبیری که لقمان حکیم فرزندش را با آن مورد خطاب قرار می‌داد و موارد متعددی از آن در قرآن کریم آمده است.^۲ (لقمان: ۱۳) واژه‌های «ثَمْرَةٌ فُؤَادِي» و «فُرْقَةٌ عَيْنِي» نیز در خطابات معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام با فرزندانشان مشاهده می‌شود. نمونه آن را می‌توان در حدیث شریف کسا در کلام حضرت صدیقه کبری عَلَيْهَا السَّلَام با فرزندان‌شان نظاره کرد.^۳ (بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳، ج ۱۱، ص ۹۳۱؛ حسینی مرعشی تستری، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۵۵)

در روابط همسران نیز زوجین باید یکدیگر را با القاب شایسته و مناسب صدا کنند. نمونه‌هایی از آن را می‌توان در گفتگوی امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام و صدیقه طاهره عَلَيْهَا السَّلَام در حدیث شریف کسا مشاهده نمود. هنگامی که امام علی عَلَيْهِ السَّلَام وارد خانه شدند، خطاب به حضرت فاطمه زهرا عَلَيْهَا السَّلَام فرمود: «السلام عليك يا بنت رسول الله» و چه لقبی نیکوتر از انتساب آن بانوی بزرگ اسلام به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. در مقابل حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام با عبارت «یا ابا الحسن و یا امیرالمؤمنین» به آن حضرت پاسخ دادند که گویاترین و کامل‌ترین القاب برای آن حضرت بود.

۱. «بَادِرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالْكُنَى قَبْلَ أَنْ تَغْلِبَ عَلَيْهِمُ الْأَلْقَابُ».

۲. «وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُتَيْ».

۳. «و عليك السلام يا قرّة عيني و ثمرّة فؤادي».

۳-۳. تخفیف صوت و لحن نیکو

محتوای کلام در گفتگوی میان اعضای خانواده نباید همراه با فریاد باشد. این مهم در گفتگوی فرزندان با والدین از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ چنانکه امام سیدالساجدین علیه السلام از پروردگار متعال چنین درخواست می‌کند: «خدایا صدایم را در محضر آنان آهسته گردان!»^۱ (صحیفه سجاده، دعای ۲۴) از جمله سفارشات لقمان حکیم به فرزندش نیز این است: «هرگز فریاد مزین و از صدای خود بکاه». (لقمان: ۱۹) این نکته در گفتگوی والدین با فرزندان و زوجین با یکدیگر نیز بسیار حائز اهمیت است. هنگامی که هر یک از اعضای خانواده خواسته خود را از دیگری با فریاد طلب می‌کند، آنچه که در این ارتباط به فرد منتقل می‌شود؛ پیام عصبانیت و ناراحتی طرف مقابل است. در چنین شرایطی کلام شخص شنیده نمی‌شود و هدف او از بیان آن کلام نیز محقق نخواهد شد. در واقع گوینده با فریاد زدن تنها خود را راضی می‌کند، در حالی که پیام مورد نظرش از طرف دیگر اعضا جدی گرفته نمی‌شود.

لحن نیکو، بایسته مورد توجه دیگری در رابطه با محتوای کلام است. قرآن کریم از آن با عبارت «قول حسن» یاد کرده است. (بقره: ۸۳) آنچه از مفاهیم قرآن در این باره برداشت می‌شود، نحوه نیکو سخن گفتن با عموم مردم است؛ یعنی با دیگران به گونه‌ای زیبا و نیکو سخن بگویید. بنابراین همچنان که صدا باید آرام، منظم و نیرومند باشد؛ شایسته است کلمات نیز به روانی و پشت سر هم ادا شوند و از تأمل بی جا و زنده خودداری، و روی کلمات و جمله‌های مهم تکیه شود. لحن صدا از کیفیت صوت، طنین و گویایی آن رنگ می‌گیرد و تغییر در کیفیت آن، گویای احساسات، عواطف و تفاوت در معناست. (حسین زاده، ۱۳۹۵، ص ۱۴۵) برای برقراری رابطه عاطفی مطلوب میان اعضای خانواده، توجه نمودن به طرف مقابل با لحن کلام بسیار مؤثر است. لحن کلام اعضا در جریان گفتگو با یکدیگر باید زیبا و شیوا باشد و کلمات با آهنگی دلنشین و صوتی ملایم ادا شوند؛ چنانکه در آموزه‌های دینی نیز بر

۱. «اللَّهُمَّ خَفِّضْ لَهُمَا صَوْتِي».

آن تأکید شده است. امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است: «خطاب‌هایتان را زیبا کنید تا پاسخ زیبا بشنوید». (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۹۱)

بنابراین یکی از بایسته‌های رفتاری در ارتباط کلامی اعضای خانواده، بیان کلام با صوتی ملایم و لحن شایسته است تا آرامش در خانواده حفظ، و روابط بین فردی اعضا مستحکم‌تر شود و پیام‌ها به بهترین شکل به مخاطب منتقل گردد.

شکل ۳: آداب گفتگو در خانواده نسبت به محتوای کلام



با تأمل در آموزه‌های دینی، آداب دیگری را نیز می‌توان استخراج نمود که به مؤلفه خاصی اختصاص ندارد و در عین حال رعایت آن‌ها برای تحکیم روابط درون فردی خانواده، ضروری است. از جمله این آداب می‌توان به «گشاده‌رویی» اشاره کرد. گشاده‌رویی اعضای خانواده در حین گفتگو، موجب مودت میان اعضا می‌شود.^۱ «احسان»^۲ کلامی نیز موجب بالارفتن سطح پذیرش اعضای خانواده نسبت به یکدیگر می‌گردد. در آموزه‌های دینی به «وفای به عهد»^۳ در ارتباط کلامی اعضای خانواده تأکید شده است. «ابراز محبت»^۴ در گفتگوی میان

۱. عن أبي عبدالله قال: «قال رسول الله: ثلاث يصفين وُدَّ المرء لآخيه المسلم بِلِقَاءِ الْبَشْرِ إِذَا لَقِيَهِ وَ...» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۴۳).

۲. «قد اشتهر أن الانسان عبید الاحسان» (مازندرانی، ۱۳۸۲، ج ۱۱، ص ۲۱۹).

۳. أبو الحسن علیه السلام: «إِذَا وَعَدْتُمُ الصَّبِيَّانَ فَفُوا لَهُمْ فَإِنَّهُمْ يَرَوْنَ أَنَّكُمْ الَّذِينَ تَرُفُّوهُمْ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۵۰).

۴. قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «قَوْلُ الرَّجُلِ لِلْمَرْأَةِ إِنِّي أُحِبُّكَ لَا يَذْهَبُ مِنْ قَلْبِهَا أَبَدًا» (همان، ج ۵، ص ۵۶۹).

اعضای خانواده نیز موجب تحکیم روابط می‌شود. افزون بر این، «ادخال سرور»^۱ نسبت به اعضای خانواده و دیگر مؤمنین فضیلتی ارزشمند است که نمود آن در گفتار، بایسته دیگری است که در این راستا مورد توجه است. همچنین در آموزه‌های دینی، «توجه به ساختار جنسیتی اعضا»^۲ در فرایند گفتگو مورد تأکید است. اساس ارتباط کلامی اعضای خانواده نیز باید بر پایه «رفق و مدارا»^۳ با یکدیگر باشد تا بتوان شاهد آثار پر برکت رعایت آداب ارتباط کلامی در خانواده بود.

۴. موانع ارتباطی در گفتگوی اعضای خانواده

افزون بر رعایت آداب گفتگو نسبت به سه مؤلفه کلام، عاری بودن کلام از ناهنجاری‌های کلامی نیز از آداب ارتباط کلامی در خانواده به شمار می‌آید که در ذیل به آن پرداخته می‌شود.

۴-۱. گفتار گزنده (أف، سرزنش، منّت، طعنه، لعن و نفرین)

یکی از نکات مورد توجه در ارتباط کلامی اعضای خانواده از منظر آموزه‌های دینی، عاری بودن محتوای کلام اعضای خانواده از کوچک‌ترین سخن اهانت‌آمیز و خالی از ادب است؛ زیرا هر گونه ناهنجاری کلامی در گفتار اعضای خانواده، مخل ارتباط سالم و اثربخش میان اعضا خواهد بود. قرآن کریم ضمن بیان دستورات اخلاقی و تربیتی برای فرزندان، با تعبیر ظریف و حساسی می‌فرماید: «هرگز نسبت به پدر و مادر خود، أف و کلمه‌ای که از روی ناراحتی و تنفر ادا می‌شود، بر زبان جاری نکن».^۴ (اسراء: ۲۳) امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه شریفه فرموده است: «اگر خداوند متعال برای جلوگیری از عصیان و آزار پدر و مادر

۱. همان.

۲. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: «قَالَ مُوسَى عليه السلام: يَا رَبِّ أَوْصِنِي قَالَ أَوْصِيكَ (بِكَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ) قَالَ يَا رَبِّ أَوْصِنِي قَالَ أَوْصِيكَ بِأُمَّكَ مَرَّتَيْنِ قَالَ يَا رَبِّ أَوْصِنِي قَالَ أَوْصِيكَ بِأَبِيكَ فَكَانَ لِأَجْلِ ذَلِكَ يُقَالُ إِنَّ لِلْأُمِّ ثَلَاثَ أَلْوَابِ الثَّلَاثُ» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۱، ص ۴۹۲).

۳. «أَمَّا حَقُّ الزَّوْجَةِ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَهَا لَكَ سَكَنًا وَأَنْسَا فَتَعْلَمَ أَنَّ ذَلِكَ نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ عَلَيْكَ فَتُكْرِمُهَا وَتَرْفُقُ بِهَا» (صدوق، ۱۳۷۶، ص ۳۷۰).

۴. «فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ».

کلمه‌ای پرمحتواتر از "اف" صلاح می‌دانست، یقیناً آن را در قرآن کریم برای این موضوع به کار می‌برد».^۱ (طبرسی، ۱۴۰۶، ج ۳، ص ۱۵۸)

محتوای کلام زوجین در برابر یکدیگر نیز باید محترمانه و به دور از کوچک‌ترین کلمه توهین‌آمیز باشد؛ چرا که ارتباط کلامی والدین با یکدیگر، الگوی ارتباطات کلامی فرزندان در کانون خانواده و اجتماعات دیگر در دوران کودکی و بزرگسالی آنان خواهد بود. (صادقی اردستانی، ۱۳۷۵، ص ۵۸) از همین روست که در روایات مأثوره به این نکته توجه شده است.^۲ والدین نیز باید توجه داشته باشند که محتوای کلام‌شان محترمانه و عاری از کلمات توهین‌آمیز نسبت به فرزندان باشد. سیره نبی مکرم اسلام ﷺ حتی با خادمش نیز به گونه‌ای بود که در طول مدت ۱۰ سال ملازمت با ایشان، به روایت شخص انس بن مالک هیچ‌گاه از آن حضرت کلامی گزنده نشنید. (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۹، ج ۱۳، ص ۶۱۹۹، ح ۱۹۹۶)

اگر چه گاهی واژگان به کار رفته در کلام، بار معنایی نامناسبی ندارند؛ اما نحوه قرار گرفتن آن‌ها در کلام به گونه‌ای است که پیامی آکنده از تحقیر و توهین را به مخاطب منتقل می‌کنند. در این موارد گوینده کلام مبتلا به سرزنش، منت و طعنه شده است. امام علی علیه السلام فرموده است: «سرزنش زیاد، آتش لجاجت را شعله‌ور می‌کند»؛ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴، ص ۲۱۲) زیرا ملامت کردن یکی از راه‌های تحقیر و خرد کردن شخصیت افراد است و عزت نفس فرد را زائل می‌کند. این سبک از گفتگو نیز از عوامل تهدیدکننده ارتباط اعضای خانواده است. منت نهادن هر یک از اعضای خانواده در قبال خدمات و محبت‌هایی که نسبت به یکدیگر انجام می‌دهند، آفت زندگی خانوادگی است و گاه موجب فروپاشی کانون خانواده می‌شود. (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۹، ص ۴۷۱) در شماری از روایات منت نهادن زن بر شوهر به شدت محکوم شده است: «اگر زنی هر چه طلا و نقره بر روی کره زمین را به همراه خویش به خانه

۱. «لو علم الله كلمة أوجز في ترك عقوق الوالدين من (أف) لأتى بها».

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «أَخْبَرَنِي أَخِي جَبْرِئِيلُ وَ لَمْ يَزَلْ يُؤْصِيَنِي بِالنِّسَاءِ حَتَّى كَلَّمْتُ أَنْ لَا يَجِلَّ لِرُؤُوسِهِنَّ أَنْ يَقُولَ لَهَا أَف» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۲۵۲).

شوهر ببرد و بر سر شوهرش بزند (به این نحو که) روزی از روزها به او بگوید: تو کیستی؟ این اموال برای من است، عملش حبط می شود؛ اگر چه از عابدترین مردم باشد، مگر اینکه توبه کند و برگردد و از همسرش عذرخواهی کند». (طبرسی، ۱۴۰۲، ص ۲۰۲)

در روایات، مؤمنین از طعنه زدن بر یکدیگر نهی شده اند (صدوق، ۱۴۰۶، ص ۲۸۱) و ملاک عمل نیک در حق دیگران و عمل به معروف، ترک منت‌گزاری به دیگران بیان شده است. (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۲، ص ۴۳۹) بدیهی است مهم‌ترین بستر اجرای آداب گفتگو بر مبنای آموزه‌های دینی، خانواده است. از این رو در ارتباط کلامی میان اعضای خانواده، طعنه و منت جایگاهی ندارند. آفت دیگری که گاه محتوای ارتباط کلامی اعضای خانواده را متأثر می‌کند، بیان واژگانی است که رنگ و بوی نفرین و دعای بد در حق طرف مقابل یا شخص ثالثی دارد. این‌گونه تعابیر که در محدوده لعن و نفرین جای می‌گیرند، آسیب‌های جبران‌ناپذیری به کانون خانواده وارد می‌کنند. از آنجا که در واقع ماهیت لعن و نفرین، دعا و درخواست از خداست؛ استجاب آن از ناحیه پروردگار گاه به همان چیزی است که شخص به زبان آورده است (دیلمی، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۵۱) و گاه به خود شخص نفرین‌کننده بر می‌گردد. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۳۶۰) گاهی نیز باعث زوال نعمت یا وجود نعمتی در زندگی فرد نفرین‌کننده می‌شود. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۱، ص ۹۹) از این رو در روایات از لعن در حق دیگران (کبیرمدنی شیرازی، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۲۱۱) و به‌ویژه نفرین در حق فرزندان نهی شده است. (دیلمی، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۵۱)

۴-۲. کلام مستهجن (فحش و ناسزا، سب و هجو)

پاکسازی گفتار از کلمات مستهجن، بایسته دیگری است که عدم رعایت آن موجب پرده‌داری و شکستن حرمت‌ها در خانواده و ایجاد سد بزرگی در برابر ارتباط اعضای آن می‌شود. از این رو محتوای ارتباط کلامی در خانواده باید مصون از هر گونه فحش و ناسزا باشد. به‌کارگیری کلمات مستهجن در ادبیات گفتاری اعضای خانواده چه هنگام عصبانیت و چه در هنگام شوخی و مزاح، از منظر آموزه‌های دینی ممنوع و قبیح است و در علم اخلاق، از رذائل اخلاقی به شمار

می‌آید و از آن نهی شده است. (قائمی مقدم، ۱۳۸۸، ص ۸۱) ناسزاگفتن به معنای بی‌پرده و با صراحت از اموری زشت و قبیح سخن گفتن و نسبت ناروا به کسی دادن در خانواده است. این عمل که باعث بی‌حرمتی و تحقیر و تزییع شخصیت افراد می‌شود، در روایات به شدت نهی شده است. در روایتی آمده است که امام صادق علیه السلام دوستی داشت که هرگز از او جدا نمی‌شد. روزی آن فرد همراه امام علیه السلام در بازار کفش دوزان راه می‌رفت و غلامی سندی همراه او بود. سه بار غلام خود را صدا زد و جوابی نشنید. برای مرتبه چهارم وقتی او را دید، گفت: «یابن الفاعله؛ ای زن‌زاده کجا بودی؟». امام صادق علیه السلام که شاهد این برخورد بود، دست خود را بلند کرد و به پیشانی زد و فرمود: «سبحان الله! مادرش را به زنا نسبت می‌دهی؟ من تو را انسانی پرهیزگار می‌دانستم، در حالی که چنین نیستی». مرد گفت: «فدایت شوم. مادرش سندی کافر است». حضرت فرمود: «مگر نمی‌دانی برای هر امتی نکاحی است؟ دور شو از من». راوی می‌گوید تا آخر عمر او را همراه آن حضرت ندیدم. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۲۴)

از آنجا که در صدر اسلام غلام و کنیز از اعضای خانواده به شمار می‌آمدند، از مفاد این روایت چنین برداشت می‌شود که ناسزاگفتن در کانون خانواده در نگاه دینی، حتی از جانب مولی نسبت به عبد بسیار مذموم است. همچنین دشنام دادن و سب نمودن فرزندان نسبت به والدین در روایات مأثوره به شدت نهی شده است. (طبرسی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۹)

شکل ۴: موانع ارتباطی در گفتگوی اعضای خانواده



نتیجه‌گیری

بیان آداب گفتگو بر اساس آموزه‌های اسلام، نیازمند توجه به سه مؤلفه اساسی در گفتگوی اعضای خانواده است. شروع‌کننده کلام باید ابتدای کلامش مزین به تحیت و سلام باشد، با رعایت تکریم مخاطب به سخن بپردازد، از مزاح‌های بی‌جا و زیاده‌گویی بپرهیزد و در سخنان خود عفت کلام را رعایت نماید. شنونده کلام نیز باید به بهترین وجه ممکن، مخاطب خود تحیت و سلام بگوید. رعایت همدلی و همدردی با مخاطب را همراه با گوش‌سپاری فعال رعایت کند. در مقابل ناهنجاری‌های کلامی تغافل و سکوت را در دستور کار خود قرار دهد و برای او طلب استغفار و دعا نماید تا پایداری روابط اعضای خانواده محقق شود. رکن اساسی و مهم در گفتگو، محتوای کلام است که باید ضمن آراسته بودن به سپاسگزاری از منعم حقیقی (پروردگار) و منعم اعتباری (انسان‌ها) مزین به القاب شایسته، همراه با لحن نیکو و صوت ملایم باشد و از ناهنجاری‌های کلامی همچون کلام مستهجن، اُف، لعن، سرزنش و طعنه پیراسته باشد. بدین‌گونه می‌توان ادعا نمود آداب گفتگو با رعایت سفارشات در آیات الهی و ائمه معصومین علیهم‌السلام تحقق یافته است. رعایت آداب گفتگو در خانواده، آثار متعددی به دنبال دارد. با نگاهی دقیق به این آداب روشن می‌شود که این سفارشات، دستورالعمل‌هایی آموزشی و کاربردی در جهت استحکام خانواده و تحکیم روابط اعضای آن می‌باشند. این‌گونه آداب گاه با ایجاد مودت و الفت، میان اعضا باعث استحکام خانواده می‌شوند و گاه موجب سکینه و آرامش اعضای خانواده می‌شوند. پایبندی به برخی دیگر از این آداب نیز موجب اقتدار خانواده و به تبع آن، تحکیم روابط میان اعضا می‌شود. چنین گفتگویی است که حیاتی طیب و پاکیزه را برای اعضای خانواده به ارمغان خواهد آورد.

فهرست منابع

قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
نهج البلاغه، ترجمه علی شیروانی (۱۳۹۲)، چاپ سوم، قم: دفتر نشر معارف.
صحیفه سجادیه، ترجمه حسین انصاریان (۱۳۹۰)، چاپ دوم، قم: آیین دانش.

فارسی

۱. باقری، خسرو (۱۳۷۶)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، چاپ چهارم، تهران: مدرسه.
۲. حسین زاده، علی (۱۳۹۵)، مهارت‌های سازگاری، چاپ پنجم، قم: مؤسسه امام خمینی علیه السلام.
۳. دشتی، محمد (۱۳۹۴)، نهج الحیاه (فرهنگ سخنان فاطمه علیها السلام)، چاپ هشتم، قم: مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام.
۴. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۱)، لغت‌نامه، چاپ اول، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۵. _____ (۱۳۴۱)، چاپ اول، تهران: شرکت چاپ افست گلشن.
۶. زاهدپور، بتول (۱۳۹۶)، افزایش محبت بین همسران: راهکارها و شیوه‌ها از منظر اسلام و روان‌شناسی، چاپ اول، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
۷. سالاری فر، محمدرضا (۱۳۸۵)، درآمدی بر نظام خانواده در اسلام، چاپ دوم، قم: مرکز نشر هاجر.
۸. _____ (۱۳۸۹)، خشونت خانگی علیه زنان: بررسی، علل و درمان با نگرش به منابع اسلامی، چاپ اول، قم: مرکز نشر هاجر.
۹. شرفی، محمدرضا (۱۳۸۹)، خانواده متعادل (آناتومی خانواده)، چاپ شانزدهم، تهران: انجمن اولیاء و مربیان.
۱۰. صادقی اردستانی، احمد (۱۳۷۵)، اخلاق زن و شوهر و تنظیم خانواده، چاپ سوم، تهران: حافظ نوین.
۱۱. طباطبایی لطفی، سید عبدالمجید، قاسمی، طاهره (۱۳۹۱)، طبقه‌بندی خطبه‌های نهج البلاغه از دیدگاه نظریه‌کنش رفتاری: مجموعه مقالات سبک و سیره اهل بیت علیهم السلام در عرصه جامعه‌سازی، چاپ اول، قم: مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام.
۱۲. عمید، حسن (۱۳۸۹)، فرهنگ فارسی عمید، چاپ اول، تهران: اشجع.
۱۳. قائمی، علی (۱۳۶۸)، خانواده و مسائل همسران جوان، چاپ هفتم، تهران: امیری.
۱۴. _____ (۱۳۷۳)، نظام حیات خانواده در اسلام، چاپ پنجم، تهران: انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران.
۱۵. کافی، مجید (۱۳۹۴)، نظریه‌پردازی گامی به سوی تولید علم دینی (نظریه اجتماعی ارتباط در قرآن)، چاپ اول، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۶. گاتمن، جان (۱۳۹۱)، پرورش هوش هیجانی در کودکان، ترجمه حمیدرضا بلوچ، چاپ دوم، تهران: رشد.
۱۷. گیتونی، منصف؛ ست، ایوبری (۱۳۸۹)، هویت و هوش هیجانی به ضمیمه واژه‌نامه توصیفی، ترجمه پریچهر به‌کیش، چاپ دوم، تهران: انجمن اولیاء و مربیان.

۱۸. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۹۳)، *تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث*، ترجمه حمیدرضا شیخی، چاپ یازدهم، قم: دارالحدیث.
۱۹. مصلحی، جواد (۱۳۹۴)، *تربیت جنسی فرزندان عوامل روشها و راهکارها*، چاپ اول، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

عربی

۱. انصاری، مرتضی (۱۳۴۵)، *فرائد الاصول*، چاپ هجدهم، قم: مجمع الفکر الاسلامی.
۲. بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نورالله (۱۴۱۳)، *عولم العلوم والمعارف والأحوال من الآيات والأخبار والأقوال (مستدرک سیده النساء إلى الإمام الجواد علیه السلام)*، چاپ اول، قم: مؤسسه الامام المهدی علیه السلام.
۳. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، *وسائل الشیعه الى تحصیل مسائل الشریعه*، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۴. دبلمی، حسن بن محمد (۱۴۱۳)، *ارشاد القلوب إلى الصواب*، قم: الشریف الرضی.
۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۲۶)، *مفردات الفاظ القرآن*، چاپ اول، بیروت: دارالقلم.
۶. شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴)، *نهج البلاغه*، تصحیح صبحی صالح، چاپ اول، قم: بی نا.
۷. صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۶)، *الامالی*، تهران: کتابچی.
۸. _____ (۱۴۱۳)، *کتاب من لا یحضره الفقیه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۹. طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۰۶)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، چاپ اول، تهران: ناصر خسرو.
۱۰. طبرسی، علی بن حسن (۱۳۸۵)، *مشکوٰة الانوار فی غرر الاخبار*، نجف: المكتبة الحیدریة.
۱۱. العروسی الحویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵)، *تفسیر نور الثقلین*، قم: اسماعیلیان.
۱۲. کبیر مدنی شیرازی، سید علی خان بن احمد (۱۴۰۹)، *ریاض السالکین فی شرح صحیفة سید الساجدین*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، *الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۴. لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶)، *عیون الحکم و المواعظ*، چاپ اول، قم: دارالحدیث.
۱۵. مازندرانی، محمد بن صالح (۱۳۸۲)، *شرح الکافی الاصول و الروضه*، تهران: المكتبة الاسلامیه.
۱۶. متقی هندی، علاء الدین بن حسام الدین (۱۴۰۹)، *المرشد الى کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*، چاپ سوم، بیروت: مؤسسه الرساله.
۱۷. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳)، *بحار الأنوار*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۱۸. مرعشی تُستری، نورالله (بی تا)، *احقاق الحق وازهاق الباطل*، قم: مکتبه آیه الله العظمی نجفی.
۱۹. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۷۴)، *تحریر الوسیلة*، چاپ ششم، قم: دارالعلم.
۲۰. نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸)، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۲۱. ورام بن اَبی فراس، مسعود بن عیسی (۱۴۱۰)، *تنبییه الخواطر و نزهة النوادر المعروف بمجموعه ورام*، قم: مکتبه فقیه.